

سیر انتقال میراث مکتوب شیعه در آینه فهرست‌ها

روح الله شهیدی*

دکتر محمدعلی مهدوی راد**

چکیده

پیدایش و تثبیت مکاتب نخستین حدیثی در مناطق گوناگون جهان تشیع، با سیر انتقال کتاب‌ها ارتباطی ناگسستنی دارد؛ زیرا حدیث شیعه در قالب کتب و مصنوعات جلوه‌گر است و کمتر بر نقل‌های شفاهی تکیه دارد. دانشیان شیعه هم در رحلات و سفرهای حدیثی خویش بر آن بوده‌اند که کتاب‌های منطقه مبدأ را از طریق محدثان بزرگ و مشایخ اجازه آن اخذ کرده، به منطقه خویش منتقل کنند. در این مقاله سعی شده با واکاوی تراجم موجود در الفهرست شیخ طوسی و رجال النجاشی و بررسی اسناد و طرق موجود در آنها، سیر انتقال میراث مکتوب در میان شهرهای مهم شیعه نشین باز شناخته شود تا از این گذر، روند شکل‌گیری مکاتب بزرگی چون قم، بغداد و خراسان آشکار گردد و واسطه‌های انتقال کتب میان مدارس حدیثی و مشایخ اجازه هر منطقه شناسایی شوند.

کلید واژه‌ها: میراث مکتوب شیعه، رجه‌های حدیثی، کوفه، قم، خراسان، بغداد.

درآمد

شیعه از آغازین سال‌های صدور حدیث به کتابت و تدوین آن اهتمام داشته و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکرده است. ترغیب و تشویق ائمه به کتابت حدیث، گزارش‌های تاریخی از پویه‌های شیعه در این راه و سیاهه بلند بالای کتب شیعه در نخستین قرن‌های هجری، همه نشان از این دارد که میراث علمی و حدیثی شیعیان میراثی مکتوب است و بر خلاف اهل سنت بر پایه

* کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث.
** استادیار دانشگاه تربیت مدرس تهران.

نقل‌های شفاهی پی‌ریزی نشده است.

با توجه به این ویژگی، طبیعتاً تبادلات حدیثی و علمی در جامعه شیعه هم در قالب انتقال کتاب‌ها متبلور می‌شود؛ چه مؤلفه و شاخصه اصلی چنین جامعه‌ای مکتوبات است. از همین رو، کوشش‌های حدیث طلبانه شیعیان، چون رحلات حدیثی، نیز به منظور سماع و قرائت کتب یا اخذ اجازه نقل آنهاست. نیم‌نگاهی به رحلات حدیثی دانشیان شیعه گویای همین مطلب است. اینان به مراکز مهم علمی سفر کرده و از طرق مختلف تحمل، چون سماع، قرائت و اجازه، کتب را از محدثان و دانشمندان بزرگ دریافت می‌کردند. آن‌گاه، با این ره توشه به دیار خود برگشته، مکتب جدیدی در شهر خویش پایه‌ریزی می‌کردند و یا بر غنای داشته‌های مدرسه حدیثی خود می‌افزودند. گاه نیز پیش می‌آمد که بزرگان مدرسه‌ای حدیثی به شهرهای دیگر سفر کنند و مجموعه کتاب‌هایی که اجازه نقلش را داشتند، در اختیار طالبان علم قرار دهند. به نظر می‌رسد آشنایی دقیق‌تر با سیر انتقال میراث مکتوب شیعی، نکات بسیاری را در تاریخ حدیث شیعه در قرون نخستین هجری آشکار خواهد کرد. آشنایی با روند گسترش حدیث در جهان تشیع، آگاهی از چگونگی شکل‌گیری مکاتب حدیثی شیعه، شناخت واسطه‌های نقل کتاب‌ها و مشایخ اجازه در هر منطقه در شمار مهم‌ترین نکاتی است که از خلال جستجو در این موضوع عاید پژوهشگر می‌شود.

بی‌شک، فهرست‌ها یکی از مهم‌ترین منابع پی‌جویی این بحث‌اند، چون اولاً، این دسته کتاب‌ها، با هدف شناساندن میراث مکتوب شیعه تدوین شده‌اند و تنها منابع کتابشناسی شیعه در قرون اولیه هستند. ثانیاً، بیشتر رحلات حدیثی دانشیان متقدم شیعه، به‌عنوان راه انتقال کتب، در این کتب بازگو شده است. ثالثاً، اسناد و طرق به کتاب‌ها در آنها بیان شده است که از جهاتی قابل استفاده است. در خلال اسناد، تعابیری وجود دارد که مکان یا زمان تحمل حدیث را مشخص می‌کند و می‌توان برخی مسافرت‌های حدیثی را از گذر آنها بازشناخت. همچنین می‌توان نام کسانی که تصریح شده رحله داشته‌اند، در اسناد جستجو کرد و کتاب‌هایی که وی از آن سفر با خود به ارمغان برده، مشخص کرد. تکرار نام فرد در اسناد و طرق مختلف نشان از اهمیت والای او دارد و می‌رساند که او در منطقه خویش میراث‌دار کتب و شیخ اجازه است. طبیعتاً راویان مرتبط با چنین افرادی واسطه نقل و انتقالات بین مکاتب خواهند بود، بدین شرط که یا اهل جای دیگر باشند یا در شمار مسافران حدیثی قرار گیرند.

در این مقاله بر آنیم با استفاده از فهرس، سیر انتقال میراث مکتوب شیعه را بررسی کنیم و فواید و آثار ناشی از آن را نشان دهیم. با بررسی فهرست‌ها می‌توان سیر این انتقال را در دو دوره ترسیم کرد:

دوره اول، انتقال از کوفه به سایر مراکز علمی شیعه، در این دوره به دلیل مرکزیت علمی کوفه، طالبان حدیث از مناطق دیگر، بویژه قم به آن روی می‌آورند و گاه هم کوفیان خود به سفر رفته و

احادیث کوفیان را در سایر جاها می‌پراکنند.

دوره دوم، انتقال کتاب‌ها از مراکز علمی مهم شیعه به بغداد، در این دوره دانشیان شیعه در بغداد متمرکز شده‌اند و مرکز علمی شیعه، بغداد است. از همین رو، سفرهای حدیثی یا از بغداد به مراکز حدیثی مهم چون قم، خراسان و کوفه است یا مردمان این سرزمین‌ها به پایتخت علمی جهان اسلام و شیعه پا می‌گذارند. اکنون به تفصیل، این دو دوره را مورد بحث قرار می‌دهیم.

دوره اول. انتقال از کوفه به سایر مراکز علمی شیعه

در تاریخ حدیث شیعه، کوفه نقشی پررنگ و برجسته دارد. در قرون نخستین هجری، این شهر مرکز سیاسی، علمی و فرهنگی شیعه بوده است. حوادث مختلف تاریخی و حضور دانشیان و محدثان بزرگ شیعی خود دلیلی روشن بر این مدعاست. روشن است که چنین مرکزی هم مبدأ صدور حدیث به دیگر نقاط شیعه نشین باشد و هم توجه طالبان علم را به خود جلب نماید. آنچه در زیر می‌آید روند این انتقال به تفکیک گیرندگان و مقصدهای آن است.

انتقال از کوفه به قم

آن‌گونه که از فهرس بر می‌آید، اولین رحله حدیثی از کوفه به مقصد قم، توسط ابراهیم بن هاشم صورت گرفته است. چنان که گفته شده، او اولین کسی است که حدیث کوفیان را در قم پراکنده است.^۱ اصل ابراهیم بن عبدالحمید کوفی،^۲ کتب اسماعیل بن ابی زیاد سکونی،^۳ کتب حریر بن عبدالله سجستانی،^۴ کتاب عبدالله بن سنان،^۵ کتب ابن ابی عمیر،^۶ کتب محمد بن اسماعیل بن بزیر،^۷ اصل هشام بن سالم،^۸ برخی از کتب مفضل بن عمر،^۹ کتاب زید نرسی،^{۱۰} کتاب سلیم فزّاء،^{۱۱} کتاب یحیی بن عمران بن علی بن ابی شعبه حلبی^{۱۲} و...^{۱۳} از ارمغان‌های وی برای قمیان است.

۱. رجال النجاشی، ص ۱۶، ش ۱۸؛ الفهرست، ص ۱۱، ش ۶.

۲. همان، ص ۱۸، ش ۱۲.

۳. همان، ص ۳۳، ش ۳۸؛ رجال النجاشی، ص ۲۶، ش ۴۷.

۴. الفهرست، ص ۱۶۲، ش ۲۴۹.

۵. همان، ص ۲۹۱، ش ۳۳۴.

۶. همان، ص ۴۰۵، ش ۶۱۸.

۷. همان، ص ۴۴۱، ش ۷۰۶.

۸. همان، ص ۴۹۳، ش ۷۸۲.

۹. رجال النجاشی، ص ۴۱۶، ش ۱۱۱۲.

۱۰. همان، ص ۱۷۴، ش ۴۶۰.

۱۱. همان، ص ۱۹۳، ش ۵۱۶.

۱۲. همان، ص ۴۴، ش ۱۱۹۹.

۱۳. الفهرست، ص ۹۱، ش ۱۲۴؛ ص ۸۹، ش ۲۸۹؛ ص ۲۴۶، ش ۳۶۳؛ ص ۲۶۵، ش ۳۷۸؛ ص ۲۹۵، ش ۴۴۲؛ ص ۲۹۶، ش ۴۴۳؛ ص ۳۲۷،



حسین بن سعید اهوازی، یکی دیگر از مهم‌ترین کوفیانی است که گام به قم نهاده‌اند. حسین اصالتاً کوفی است، اما با برادرش حسن به اهواز می‌کوچد و سپس خود به قم می‌رود.^{۱۴} این دو برادر کتبی سی‌گانه تألیف می‌کنند که مقبول و معتمد جامعه شیعه قرار می‌گیرد.^{۱۵} بزرگان قم چون احمد بن محمد بن عیسی، احمد بن محمد بن خالد برقی و دیگر قمیان^{۱۶} کتب سی‌گانه را از حسین بن سعید نقل کرده‌اند. کتاب‌های ربیع بن عبدالله بصری^{۱۷}، شعیب عرقونی^{۱۸}، حمید بن مثنی^{۱۹}؛ فضالة بن ایوب^{۲۰}، قاسم بن محمد جوهری کوفی^{۲۱}، قاسم بن سلیمان بغدادی^{۲۲}، قاسم بن عروه بغدادی^{۲۳}، حریر بن عبدالله سجستانی^{۲۴}، زرعة بن محمد حضرمی^{۲۵}، پاره‌ای دیگر از رهاوردهای این سفر برای قمی‌هاست.

در مقابل جریان مهاجرت کوفیان به قم، برخی از قمی‌ها نیز به عراق، خصوصاً کوفه، سفر کردند. بارزترین ایشان احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی است. او خود تصریح می‌کند که در طلب حدیث به کوفه رفته، حسن بن علی بن زیاد و شاء را ملاقات می‌کند و کتاب‌های علاء بن رزین قلاء و ابان بن عثمان أحمر را از او اجازه می‌گیرد.^{۲۶} با بررسی اسانید موجود در فهرس می‌فهمیم احمد بن محمد بن عیسی در عراق حضوری فعال داشته است و علاوه بر موارد مذکور، کتاب‌ها و مصنفات بیشماری را از بزرگ محدثان آن دیار دریافته کرده است. از جمله ایشان به این افراد می‌توان اشاره کرد: احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی^{۲۷}، حسن بن محبوب سراد کوفی^{۲۸}، حسن بن علی بن

↔ ش ۵۴۸، ص ۳۵۷؛ ش ۵۶۳؛ ص ۳۶۳؛ ش ۵۶۵؛ ص ۳۶۵؛ ش ۵۷۰؛ ص ۳۷۱؛ ش ۵۷۷؛ ص ۳۷۲؛ ش ۵۷۹؛ ص ۳۷۷؛ ش ۵۸۴؛ ص ۳۸۷؛ ش ۵۹۲؛ ص ۴۴۰؛ ش ۷۰۵؛ ص ۴۵۸؛ ش ۷۳۰؛ ص ۴۶۳؛ ش ۷۳۸؛ ص ۴۸۸؛ ش ۷۷۹؛ رجال النجاشی، ص ۳۸؛ ش ۷۷؛ ص ۳۱۶؛ ش ۸۶۷؛ ص ۴۳۸؛ ش ۱۱۷۸.

۱۴. الفهرست، ص ۱۴۹؛ ش ۲۳۰.

۱۵. رجال النجاشی، ص ۵۸؛ ش ۱۳۶-۱۳۷.

۱۶. الفهرست، ص ۱۵۰؛ ش ۲۳۰؛ رجال النجاشی، ص ۶۰۵۹؛ ش ۱۲۶-۱۲۷.

۱۷. همان، ص ۱۶۷؛ ش ۴۴۱؛ الفهرست، ص ۱۹۵؛ ش ۲۹۴.

۱۸. رجال النجاشی، ص ۱۵۹؛ ش ۵۲۰.

۱۹. همان، ص ۱۳۳؛ ش ۳۴۱.

۲۰. همان، ص ۳۱۱؛ ش ۸۵۰؛ چون فضاله در اهواز ساکن بوده، پس حسین بن سعید این کتاب را از اهواز به قم آورده است نه از عراق.

۲۱. همان، ص ۳۱۵؛ ش ۸۶۲.

۲۲. همان، ص ۳۱۴؛ ش ۸۵۸.

۲۳. همان، ص ۳۱۵؛ ش ۸۶۰.

۲۴. الفهرست، ص ۱۶۲؛ ش ۲۴۹.

۲۵. همان، ص ۲۱۰؛ ش ۳۱۳.

۲۶. رجال النجاشی، ص ۳۹؛ ش ۸۰.

۲۷. الفهرست، ص ۴۸؛ ش ۶۲؛ ص ۵۰؛ ش ۶۳؛ ص ۳۱۴؛ ش ۴۸۱؛ رجال النجاشی، ص ۱۳؛ ش ۸.

۲۸. الفهرست، ص ۳۹-۴۰؛ ش ۵۳؛ ص ۱۰۵؛ ش ۱۳۸؛ ص ۱۲۲؛ ش ۱۶۲؛ ص ۱۲۸؛ ش ۱۷۴؛ ص ۱۶۱؛ ش ۲۴۷؛ ص ۲۶۳؛ ش ۳۷۵؛ ص ۲۷۰؛ ش ۳۸۸؛ ص ۴۷۰؛ ش ۷۵۳؛ ص ۴۸۷؛ ش ۷۷۷؛ ص ۵۰۳؛ ش ۷۹۵؛ ص ۵۰۸؛ ش ۸۰۸؛ ص ۵۳۴؛ ش ۸۶۷؛ ص ۵۳۵.

↔

فضال^{۲۹}، صفوان بن یحیی بجلی^{۳۰}، عبدالرحمان بن ابی نجران^{۳۱}، علی بن حدید مدائنی^{۳۲}، محمد بن ابی عمیر^{۳۳}، محمد بن اسماعیل بن بزیع^{۳۴}، محمد بن سنان زاهری^{۳۵} در عملکرد احمد بن محمد دو نکته درخور توجه است: اول، آن که وی غالباً از افراد معتبر و شناخته شده‌ای چون مشایخ ثلاثه نقل می‌کند که در جامعه شیعی آن زمان از شأنیت و مقام والایی برخوردار بوده‌اند. دوم، این‌که بسیاری از کتب نقل شده توسط او، کتاب‌های مشهور و معتبر در میان شیعیان‌اند. این دو نکته دقت و سواس بسیار زیاد احمد بن محمد بن عیسی را نمایان می‌کند.

شاید احمد بن محمد بن خالد برقی و پدرش، در شمار دیگر قمیان اثرگذار بر جریان انتقال حدیث از عراق و کوفه باشند. برقی اصالتی کوفی دارد. جدّ اعلاّی او را والی عراق به قتل می‌رساند پس جدّ او، خالد، به همراه پدرش عبدالرحمن به ایران می‌گریزند و در برق (برقه) قم ساکن می‌شوند.^{۳۶} با نگاهی به شاگردان و مشایخ احمد بن محمد بن خالد و پدرش چنین به دست می‌آید که شاگردان آنها

﴿ ش ۸۶۸، ص ۵۳۵، ش ۸۶۹؛ رجال النجاشی، ص ۲۰، ش ۲۵؛ ص ۹۴، ش ۴۶؛ ص ۱۲۵، ش ۳۴۷؛ ص ۱۴۰، ش ۳۶۳؛ ص ۱۵۰، ش ۳۸۹؛ ص ۱۶۰، ش ۴۲۳؛ ص ۱۹۹، ش ۵۳۰؛ ص ۲۴۴، ش ۶۴۱؛ ص ۲۴۷، ش ۶۴۹؛ ص ۲۸۲، ش ۷۴۸؛ ص ۲۹۶، ش ۸۰۴؛ ص ۳۰۹، ش ۸۴۴؛ ص ۳۵۷، ش ۹۵۸؛ ص ۴۳۰، ش ۱۱۵۶؛ ص ۴۳۱، ش ۱۱۶۱؛ ص ۴۳۲، ش ۱۱۶۲؛ ص ۴۶۱، ش ۱۲۶۴.﴾

۲۹. الفهرست، ص ۱۲۴، ش ۱۶۴؛ ص ۲۵۹، ش ۳۷۳؛ ص ۲۶۹، ش ۳۸۵؛ ص ۳۰۴، ش ۲۶۴؛ ص ۳۲۳، ش ۵۰۰؛ ص ۳۸۶، ش ۵۸۸؛ ص ۴۷۵، ش ۷۶۵؛ ص ۵۱۰، ش ۸۱۲؛ ص ۵۲۵، ش ۸۴۰؛ رجال النجاشی، ص ۳۶، ش ۱۷۲؛ ص ۲۷۵، ش ۱۷۲؛ ص ۳۰۴، ش ۲۷۵؛ ص ۳۵۲، ش ۱۲۲۲. ۳۰. الفهرست، ص ۱۱۷، ش ۱۵۹؛ ص ۱۴۳، ش ۲۱۲؛ ص ۱۴۴، ش ۲۱۳؛ ص ۱۷۴، ش ۲۶۸؛ ص ۱۷۵، ش ۲۷۰؛ ص ۲۸۳، ش ۴۱۹؛ ص ۳۲۱، ش ۴۹۹؛ ص ۳۲۲-۳۲۳، ش ۵۰۰؛ ص ۳۳۸، ش ۵۳۲؛ ص ۴۲۰، ش ۶۴۶؛ ص ۴۴۵، ش ۷۲۰؛ ص ۴۷۶، ش ۷۶۷؛ ص ۵۳۴، ش ۵۶۵؛ رجال النجاشی، ص ۱۵۰، ش ۳۹۲؛ ص ۲۴۶، ش ۶۶۸؛ ص ۲۷۶، ش ۷۲۵؛ ص ۲۸۶، ش ۷۶۴؛ ص ۴۵۸، ش ۱۲۴۸.

۳۱. الفهرست، ص ۱۱۶، ش ۱۵۸؛ ص ۱۵۷، ش ۲۲۱؛ ص ۱۶۳، ش ۲۲۹؛ ص ۲۱۹، ش ۳۲۲-۳۲۳؛ ص ۵۴۴، ش ۴۱۸؛ ص ۶۳۸، ش ۳۲. الفهرست، ص ۱۵۷، ش ۲۴۱؛ ص ۱۶۳، ش ۲۴۹؛ ص ۴۵۹، ش ۷۳۱؛ رجال النجاشی، ص ۱۲۷، ش ۱۲۸؛ ص ۳۲۹، ش ۴۲۴؛ ص ۱۱۳۸.

۳۳. الفهرست، ص ۹۷، ش ۱۳۱؛ ص ۱۱۳، ش ۱۵۲؛ ص ۱۲۷، ش ۱۷۲؛ ص ۱۲۷، ش ۱۷۳؛ ص ۱۴۳، ش ۲۱۲؛ ص ۱۴۴، ش ۲۱۳؛ ص ۱۵۹، ش ۲۴۴؛ ص ۱۵۹، ش ۲۴۵؛ ص ۱۶۱، ش ۲۴۶؛ ص ۱۷۴، ش ۲۶۷؛ ص ۱۷۵، ش ۲۷۰؛ ص ۱۸۲-۱۸۳، ش ۲۸۰؛ ص ۱۸۳، ش ۲۸۱؛ ص ۱۹۳، ش ۲۹۱؛ ص ۲۱۹، ش ۳۲۴؛ ص ۲۲۰، ش ۳۲۵؛ ص ۲۳۰، ش ۳۴۴؛ ص ۲۳۶، ش ۳۵۳؛ ص ۲۳۶، ش ۳۵۵؛ ص ۲۴۵، ش ۳۶۰؛ ص ۲۸۳، ش ۴۱۹؛ ص ۳۰۴، ش ۴۶۷؛ ص ۳۲۳، ش ۵۰۲؛ ص ۳۳۰، ش ۵۱۴؛ ص ۴۱۸، ش ۶۳۸؛ ص ۴۱۹، ش ۶۴۲؛ ص ۴۲۰، ش ۶۴۳؛ ص ۴۲۰، ش ۶۴۴؛ ص ۴۲۰، ش ۶۴۵؛ ص ۴۲۰، ش ۶۴۷؛ ص ۴۲۰، ش ۶۴۷؛ ص ۴۴۰، ش ۷۰۵؛ ص ۴۵۹، ش ۷۳۱؛ ص ۴۶۴، ش ۷۳۹؛ ص ۴۷۰، ش ۷۵۲؛ ص ۴۸۹، ش ۷۸۱؛ ص ۵۳۲، ش ۸۵۸؛ ص ۵۳۲، ش ۸۵۹؛ ص ۵۳۲، ش ۸۶۰؛ ص ۵۳۳، ش ۸۶۱؛ ص ۵۳۳، ش ۸۶۲؛ ص ۵۳۳، ش ۸۶۳؛ ص ۵۳۳، ش ۸۶۴؛ ص ۵۳۴، ش ۸۶۶؛ رجال النجاشی، ص ۸، ش ۳؛ ص ۴۵، ش ۹۰؛ ص ۵۴، ش ۱۲۰؛ ص ۱۱۳، ش ۲۹۰؛ ص ۱۲۵، ش ۳۲۱؛ ص ۱۳۷، ش ۳۵۴؛ ص ۱۴۱، ش ۳۴۸؛ ص ۱۵۰، ش ۳۹۳؛ ص ۱۷۸، ش ۲۹۰؛ ص ۱۸۱، ش ۴۷۹؛ ص ۱۸۲، ش ۴۸۰؛ ص ۱۹۰، ش ۵۰۷؛ ص ۱۹۶، ش ۵۲۳؛ ص ۲۲۵، ش ۵۸۹؛ ص ۲۷۵، ش ۷۲۳؛ ص ۳۵۸، ش ۹۶۱؛ ص ۳۶۸، ش ۹۹۷؛ ص ۴۱۰، ش ۱۰۹۳؛ ص ۴۱۴، ش ۱۱۰۴؛ ص ۴۲۳، ش ۱۱۳۵؛ ص ۴۳۲، ش ۱۱۶۲؛ ص ۴۵۰، ش ۱۲۱۶؛ ص ۴۶۱، ش ۱۲۶۵؛ ص ۱۲۶۶، ش ۱۲۶۷؛ در الفهرست شیخ آمده که احمد کتب صد نفر از اصحاب امام صادق ع را از ابن ابی عمیر نقل کرده است. (الفهرست، ص ۴۰۴، ش ۶۱۸).

۳۴. همان، ص ۲۱۹، ش ۳۲۲-۳۲۳؛ ص ۲۲۶، ش ۳۳۶؛ ص ۴۱۸، ش ۶۳۹؛ ص ۴۴۱، ش ۷۰۶؛ ص ۴۵۹، ش ۷۳۱؛ ص ۵۲۵، ش ۸۴۰؛ رجال النجاشی، ص ۲۲۹، ش ۶۰۷؛ ص ۲۳۳، ش ۶۱۸؛ ص ۳۱۹، ش ۸۷۴؛ ص ۳۳۱، ش ۸۹۳.

۳۵. الفهرست، ص ۳۳۵، ش ۵۲۶؛ ص ۴۰۷، ش ۶۲۰؛ ص ۵۲۲، ش ۸۳۰؛ رجال النجاشی، ص ۱۴۹، ش ۳۸۷؛ ص ۲۰۱، ش ۵۳۶؛ ص ۲۱۴، ش ۵۵۹؛ ص ۲۹۸، ش ۸۱۰.

۳۶. الفهرست، ص ۵۱، ش ۶۵؛ رجال النجاشی، ص ۷۶، ش ۱۸۲.

نوعاً قمی‌اند، حال آن که مشایخ این دو، غالباً کوفی و عراقی‌اند. با توجه به این به نظر می‌رسد که اینان نیز بسان احمد بن محمد بن عیسی در طلب حدیث به عراق رفته‌اند.^{۳۷} در میان اساتید اینان افرادی از اصفهان^{۳۸}، ری^{۳۹}، نهاوند^{۴۰}، گرگان^{۴۱} و قزوین^{۴۲} نیز یافت می‌شود که نشان می‌دهد احتمالاً خاندان برقی حلقه واسط قم با شهرهای دیگر ایران هم بوده‌اند. با نگاهی به کتاب‌های منقول از برقی و همچنین مشایخ وی، به روشنی تفاوت عملکردش با احمد بن محمد بن عیسی مشخص می‌شود؛ چه کتب مشهور چندانی در این سیاهه رؤیت نمی‌شود و از اساتید معتبر و معتمد چون ابن ابی عمیر، صفوان و ابن محبوب نقل زیادی وجود ندارد. شاید از همین روست که یکی از ویژگی‌های او را روایت زیاد از ضعفا انگاشته‌اند؛^{۴۳} به گونه‌ای که بزرگ شهر قم، احمد بن محمد بن عیسی، برقی را از شهر می‌راند؛ هر چند که بعد پشیمان می‌شود و او را برمی‌گرداند.^{۴۴}

در روزگار ریاست احمد بن محمد بن محمد بن علی صیرفی - که در کوفه به کذب شهرت یافته - وارد قم می‌شود و لختی نزد احمد بن محمد بن عیسی می‌ماند، اما افکار غالبانه‌اش را آشکار می‌سازد و احمد نیز او را از قم اخراج می‌کند.^{۴۵} انتقال ابوسمینه به قم، یکی دیگر از رحلات حدیثی از عراق و کوفه به قم است. رهاورد این رحله حدیثی رسیدن این تألیفات به قم است: کتاب اسحاق بن یزید بن اسماعیل طائی^{۴۶}، برخی کتب اسماعیل بن مهرا ن بن ابی نصر سکونی^{۴۷}، کتاب حفص بن عاصم سلمی^{۴۸}، کتاب سلیم بن قیس هلالی^{۴۹}، کتاب سلام بن عبدالله

۳۷. برای دیدن برخی مشایخ عراقی این دو، ر. ک: الفهرست، ص ۸۱، ش ۱۰۱؛ ص ۸۲، ش ۱۰۴؛ ص ۸۷، ش ۱۱۸؛ ص ۹۰، ش ۱۲۲؛ ص ۱۵۱، ش ۲۳۲؛ ص ۲۷۴، ش ۳۹۴؛ ص ۲۷۴، ش ۳۹۵؛ ص ۲۸۳، ش ۴۱۹؛ ص ۳۲۱، ش ۴۹۹؛ ص ۳۲۲، ش ۵۰۰؛ ص ۳۴۸، ش ۵۵۰؛ ص ۳۶۵، ش ۵۷۰؛ ص ۳۷۱، ش ۵۷۶؛ ص ۳۷۱، ش ۵۷۷؛ ص ۳۳۶، ش ۶۹۵؛ ص ۴۳۷، ش ۶۹۶؛ ص ۴۶۲، ش ۷۳۶؛ ص ۴۸۸، ش ۷۷۹؛ ص ۴۸۹، ش ۷۸۱؛ ص ۵۲۸، ش ۸۴۶؛ ص ۵۲۸، ش ۸۴۷؛ ص ۵۲۹، ش ۸۵۱؛ ص ۵۳۰، ش ۸۵۲؛ رجسسال النجاشی، ص ۵۵، ش ۱۲۵؛ ص ۵۵، ش ۱۲۶؛ ص ۶۲، ش ۱۴۷؛ ص ۱۰۲، ش ۲۵۴؛ ص ۱۰۳، ش ۲۵۶؛ ص ۱۰۵، ش ۲۶۳؛ ص ۱۷۵، ش ۲۶۳؛ ص ۲۴۰، ش ۶۳۷؛ ص ۲۴۰، ش ۶۳۷؛ ص ۲۷۴، ش ۷۱۸؛ ص ۲۷۹، ش ۷۳۲؛ ص ۲۷۹، ش ۷۳۳؛ ص ۲۸۹، ش ۷۷۴؛ ص ۳۰۲، ش ۸۲۳؛ ص ۳۲۳، ش ۹۲۶؛ ص ۳۲۴، ش ۹۲۷؛ ص ۳۲۵، ش ۹۳۱؛ ص ۳۵۰، ش ۹۴۲؛ ص ۳۶۲، ش ۹۷۲؛ ص ۳۶۵، ش ۹۸۶؛ ص ۴۲۱، ش ۱۱۲۷؛ ص ۴۴۵، ش ۱۲۰۲؛ ص ۴۵۱، ش ۱۲۱۷؛ ص ۴۵۲، ش ۱۲۲۱؛ ص ۴۵۶، ش ۱۲۲۹؛ ص ۴۵۷، ش ۱۲۴۱؛ ص ۴۵۷، ش ۱۲۴۲؛ ص ۴۵۹، ش ۱۲۵۵؛ ص ۴۶۱، ش ۱۲۶۳؛ ص ۴۶۱، ش ۱۲۶۴ و ...

۳۸. الفهرست، ص ۲۰، ش ۱۷؛ ص ۲۲۹، ش ۳۴۲؛ ص ۳۷۲، ش ۵۷۸.

۳۹. همان، ص ۲۲۸، ش ۳۳۹؛ ص ۳۴۷، ش ۵۴۹.

۴۰. همان، ص ۲۰، ش ۱۶؛ ص ۲۷۵، ش ۳۹۷.

۴۱. رجال النجاشی، ص ۳۱۱، ش ۸۵۳.

۴۲. الفهرست، ص ۵۰۲-۵۰۳، ش ۷۹۶؛ رجال النجاشی، ص ۴۴۲، ش ۱۱۹۲.

۴۳. الفهرست، ص ۵۲، ش ۶۵.

۴۴. رجال ابن الفضایری، ص ۳۹، ش ۱۰.

۴۵. رجال النجاشی، ص ۳۳۲، ش ۸۹۴.

۴۶. همان، ص ۷۲، ش ۱۷۲.

۴۷. همان، ص ۲۷، ش ۴۹.

۴۸. همان، ص ۱۳۶، ش ۳۴۹.

۴۹. همان، ص ۸، ش ۴.

هاشمی^{۵۰}، کتاب هیثم بن واقد جزری^{۵۱}، کتاب ابو بدر کوفی^{۵۲}، کتب نصر بن مزاحم منقری کوفی^{۵۳} در همین دوران کوفی دیگری به نام عبدالرحمان بن ابی حماد صیرفی در قم ساکن شد^{۵۴} که ظاهراً کتاب ابراهیم بن ابی بلاد را به این شهر می‌آورد.^{۵۵} بدین ترتیب، میراث حدیثی عظیمی از عراق به قم منتقل شد؛ میراثی که در قرون بعد، از قمیان اخذ و به عراق بازگردانده شد.

انتقال از کوفه به اصفهان

ابراهیم بن محمد بن سعید ثقفی از کوفیانی است که وطن را به قصد اصفهان ترک می‌کند.^{۵۶} گویی او کتابی در مناقب و مثالب می‌نگارد و محتوای آن را صحیح می‌انگارد. کتاب وی بر کوفیان گران می‌آید و از او می‌خواهند آن را عرضه نکنند. ثقفی از ایشان می‌پرسد که دشمن‌ترین مردمان نسبت به شیعه در کدام شهرند؟ چون او را به اصفهان رهنمون می‌شوند، قسم یاد می‌کند که کتاب را جز در آنجا نقل نکند و به سوی آن شهر رهسپار می‌شود.^{۵۷} در اصفهان به نقل کتاب می‌پردازد و درخواست بزرگانی چون: احمد بن محمد بن خالد برقی را برای رفتن به قم نمی‌پذیرد.^{۵۸} افزون بر کتاب پیش گفته - که المعرفة نام دارد - سایر کتاب‌های ثقفی صیغه‌ای تاریخی کلامی دارد و می‌توان گفت با این سفر بخشی از میراث احادیث تاریخی کوفه به ایران انتقال می‌یابد.

انتقال از کوفه به خراسان و ماوراء النهر

در ایران جز قم، دانشیان خراسان بزرگ هم تکاپوهای حدیث‌طلبانه خویش را آغازیدند. فضل بن شاذان نیشابوری در عنقوان جوانی در شهر کوفه کتبی چون کتاب ابن بکیر را از حسن بن علی بن فضال سماع می‌کند.^{۵۹} محمد بن مسعود عیاشی سمرقندی نیز در جوانی به کوفه می‌آید و از بزرگانی چون علی بن حسن بن فضال و عبدالله بن محمد بن خالد طیالسی حدیث دریافت می‌کند. همچنین از خرمن دانش شیوخ بغداد و قم نیز خوشه می‌چیند^{۶۰} و به دیار خویش برگشته، محافل علمی سترگ خویش را پی می‌افکند.

در موردی استثنایی اسماعیل بن محمد بن اسماعیل بن هلال مخزومی از مکه عزم کوفه

۵۰. همان، ص ۱۸۹، ش ۵۰۳.

۵۱. همان، ص ۴۳۶، ش ۱۱۷۱.

۵۲. همان، ص ۴۵۴، ش ۱۲۲۹.

۵۳. همان، ص ۴۲۸، ش ۱۱۴۸، نجاشی درباره این طریق گوید: فأما طریقنا إلیه من جهة التمیمین ...

۵۴. همان، ص ۲۳۸-۲۳۹، ش ۶۲۳.

۵۵. همان، ص ۲۲، ش ۳۲.

۵۶. الفهرست، ص ۱۲-۱۳، ش ۷؛ رجال النجاشی، ص ۱۶-۱۷، ش ۱۹.

۵۷. همان، ص ۱۷، ش ۱۹.

۵۸. الفهرست، ص ۱۲، ش ۷؛ رجال النجاشی، ص ۱۷، ش ۱۹.

۵۹. همان، ص ۳۵، ش ۷۲.

۶۰. همان، ص ۳۵۰-۳۵۱، ش ۹۴۴.

می‌کند و بزرگان کوفه، مانند: ایوب بن نوح، حسن بن معاویه، محمد بن حسین و علی بن حسن فضال، نزد او زانوی شاگردی بر زمین می‌نهد؛^{۶۱} اما او چندان در کوفه درنگ نمی‌کند و به مکه برمی‌گردد از همین رو، حدیث وی کم نقل شده است.^{۶۲}

تا این برهه از تاریخ، عراق و بویژه کوفه مبدأ و سرچشمه حدیث به شمار می‌رفت، اما زین پس با تقویت دیگر مکاتب جهان تشیع و همچنین مرکزیت علمی بغداد، جریان انتقال حدیث معکوس، می‌شود و عراق و بغداد به صورت دریافت‌کننده دستاوردهای سایر مکاتب حدیثی در می‌آید.

دوره دوم. انتقال از مراکز علمی مهم شیعه به بغداد

انتقال از قم به بغداد

در سیر انتقال حدیث به بغداد، قم نقشی انکار ناپذیر دارد. یکی قمیانی که به بغداد می‌آید، محمد بن جعفر بن بطه است. ابن بطه را کثیر الأدب و الفضل و العلم خوانده‌اند^{۶۳} و فهرستی داشته که نجاشی آن را پر غلط می‌داند.^{۶۴} او از مشایخ بزرگ قم، بویژه احمد بن محمد بن خالد برقی^{۶۵} بسیار نقل

۶۱. الفهرست، ص ۲۰، ش ۳۵؛ رجال النجاشی، ص ۳۱، ش ۶۷.

۶۲. همان.

۶۳. همان، ص ۳۷۲-۳۷۳، ش ۱۰۱۹.

۶۴. همان.

۶۵. الفهرست، ص ۲۰، ش ۱۶؛ ص ۲۰، ش ۱۷، ص ۳۵؛ ص ۴۲، ش ۳۶؛ ص ۴۶، ش ۳۶؛ ص ۴۷، ش ۴۲، ص ۵۸؛ ص ۴۳، ش ۶۰؛ ص ۸۲، ش ۱۰۴؛ ص ۸۷، ش ۱۱۸؛ ص ۹۰، ش ۱۲۱؛ ص ۹۱، ش ۱۲۲؛ ص ۱۱۲، ش ۱۴۹؛ ص ۱۱۲، ش ۱۵۰؛ ص ۱۱۵، ش ۱۵۶؛ ص ۱۱۵، ش ۱۵۷؛ ص ۱۲۵، ش ۱۶۵؛ ص ۱۲۵، ش ۱۶۷؛ ص ۱۲۶، ش ۱۶۸؛ ص ۱۲۶، ش ۱۷۰؛ ص ۱۲۸، ش ۲۰۱؛ ص ۱۴۱، ش ۲۰۵؛ ص ۱۴۱، ش ۱۴۲؛ ص ۲۰۷، ش ۱۴۲؛ ص ۲۰۸، ش ۱۴۳؛ ص ۲۱۰، ش ۱۴۳؛ ص ۲۱۱، ش ۱۵۲؛ ص ۲۱۳، ش ۱۵۲؛ ص ۲۳۴، ش ۱۶۱؛ ص ۲۴۸، ش ۱۶۴؛ ص ۲۵۲، ش ۱۷۵؛ ص ۲۷۰، ش ۱۸۲؛ ص ۲۷۷، ش ۱۸۲؛ ص ۲۷۸، ش ۲۰۷؛ ص ۳۰۸، ش ۲۱۶؛ ص ۳۱۷، ش ۲۱۶؛ ص ۳۱۸، ش ۲۲۹؛ ص ۳۳۱، ش ۲۲۹؛ ص ۳۴۱، ش ۲۲۹؛ ص ۳۴۲، ش ۲۳۵؛ ص ۳۵۲، ش ۲۳۷؛ ص ۳۵۴، ش ۲۴۴؛ ص ۳۵۸، ش ۲۴۴؛ ص ۳۵۹، ش ۲۷۴؛ ص ۳۹۴، ش ۲۷۴؛ ص ۳۹۵، ش ۲۷۵؛ ص ۳۹۶، ش ۲۷۵؛ ص ۳۹۷، ش ۲۷۵؛ ص ۳۹۸، ش ۲۷۶؛ ص ۳۹۹، ش ۲۸۲؛ ص ۴۱۶، ش ۲۸۲؛ ص ۴۱۷، ش ۲۸۳؛ ص ۴۱۸، ش ۲۸۳؛ ص ۴۱۸، ش ۲۸۳؛ ص ۴۱۹، ش ۸۳؛ ص ۴۲۰، ش ۲۸۳؛ ص ۴۲۱، ش ۲۹۷-۲۹۸؛ ص ۴۴۸، ش ۲۹۸؛ ص ۴۴۹، ش ۳۰۳؛ ص ۴۶۲، ش ۳۰۴؛ ص ۳۶۳، ش ۳۱۱؛ ص ۴۷۶، ش ۳۱۲؛ ص ۴۷۷، ش ۳۱۵؛ ص ۴۸۴، ش ۳۱۸؛ ص ۴۹۰، ش ۳۲۱؛ ص ۴۹۸، ش ۳۲۱؛ ص ۴۹۹، ش ۳۲۵؛ ص ۵۰۵، ش ۳۳۷؛ ص ۵۳۰، ش ۳۳۷؛ ص ۵۳۰، ش ۳۴۳؛ ص ۵۳۸، ش ۳۳۷؛ ص ۵۴۹، ش ۳۳۸؛ ص ۵۵۰، ش ۳۳۸؛ ص ۵۵۱، ش ۳۵۱؛ ص ۵۶۰، ش ۳۶۵؛ ص ۵۷۰، ش ۳۶۶؛ ص ۵۷۳، ش ۳۷۱؛ ص ۵۷۷، ش ۳۷۲؛ ص ۵۷۸، ش ۳۸۸؛ ص ۵۹۴، ش ۴۱۷؛ ص ۶۳۵، ش ۴۱۸؛ ص ۶۴۰، ش ۴۳۵؛ ص ۶۴۰، ش ۴۳۵؛ ص ۶۹۰، ش ۴۳۶؛ ص ۶۹۱، ش ۴۳۶؛ ص ۶۹۲، ش ۴۳۷؛ ص ۶۹۶، ش ۴۳۷؛ ص ۶۹۷، ش ۴۳۸؛ ص ۶۹۸، ش ۴۳۸؛ ص ۶۹۹، ش ۴۳۸؛ ص ۷۰۰، ش ۴۳۹؛ ص ۷۰۱، ش ۴۳۹؛ ص ۷۰۲، ش ۴۳۹؛ ص ۷۰۳، ش ۴۴۰؛ ص ۷۰۴، ش ۴۵۶؛ ص ۷۲۶، ش ۴۵۹؛ ص ۷۳۲، ش ۴۷۱؛ ص ۷۵۴، ش ۴۷۱؛ ص ۷۵۵، ش ۴۷۱؛ ص ۷۵۶، ش ۴۷۵؛ ص ۷۶۴، ش ۷۶۴؛ ص ۷۷۴، ش ۴۸۸؛ ص ۷۷۹، ش ۴۸۹؛ ص ۷۸۱، ش ۵۰۲؛ ص ۷۹۳، ش ۵۱۰؛ ص ۸۱۱، ش ۵۲۸؛ ص ۸۴۷، ش ۵۲۸؛ ص ۸۴۸، ش ۵۲۹؛ ص ۸۵۴، ش ۵۳۰؛ ص ۸۵۵، ش ۵۳۱؛ ص ۸۵۶، رجال النجاشی، ص ۲۹، ش ۵۶؛ ص ۳۷، ش ۷۴؛ ص ۵۰، ش ۱۰۸؛ ص ۵۰، ش ۱۱۰؛ ص ۵۶، ش ۱۲۸؛ ص ۵۶، ش ۱۲۹؛ ص ۵۹، ش ۱۳۷؛ ص ۶۲، ش ۱۴۷؛ ص ۱۰۰، ش ۱۲۵؛ ص ۱۰۲، ش ۱۲۵؛ ص ۱۰۵، ش ۱۲۶؛ ص ۱۲۰، ش ۱۳۰؛ ص ۱۳۷، ش ۱۴۸؛ ص ۱۳۵، ش ۱۶۱؛ ص ۱۴۵، ش ۱۷۹؛ ص ۱۷۹، ش ۱۷۹.

می‌کند. با توجه به نقش مهم برقی در مدرسه حدیثی قم، دانسته می‌شود این بطله میراث‌دار بخش مهمی از داشته‌های مکتب قم و ایران است که آنها را به بغداد منتقل می‌کند. به دیگر سخن، بخشی از میراث کوفه که به قم منتقل شده؛ به علاوه، قسمتی از تألیفات خود قمیان توسط محمد بن جعفر بن بطله به بغداد وارد می‌شود. ابن بطله با ورود به بغداد در نوبختیه ساکن می‌شود و ابوالفضل محمد بن عبدالله بن مطلب شیبانی بر او قرائت می‌کند و از وی اجازه می‌گیرد.^{۶۶} ابن ابوالفضل شیبانی کوفی خود از کسانی است که عمری را در جستجوی حدیث به مسافرت پرداخته است.^{۶۷} وی در ابتدا بر راه مستقیم گام برمی‌داشته، اما از آن منحرف می‌شود^{۶۸} و مشایخ بغدادی او را تضعیف می‌کنند.^{۶۹} از همین رو، نجاشی با وجود سماع بسیار زیاد از ابن شیخ، تنها با واسطه به نقل از او می‌پردازد.^{۷۰} در حدیث طلبی ابوالفضل همین بس که از کسانی چون ابن بطله و حمید بن زیاد اجازه گرفته و بسیار هم نقل می‌کند. جایگاه ابن بطله در سیر انتقال حدیث از سطور پیشین تا حدودی روشن شد. حمید بن زیاد، فردی کوفی است. درباره‌اش گفته‌اند:

روی الأصول أكثرها.^{۷۱}

او فهرستی داشته که نجاشی و طوسی از آن بهره‌ها برده‌اند.^{۷۲} از همین رو، می‌توان گفت که حمید بخش عظیمی از میراث کوفه را در اختیار داشته است. ابوالفضل در واپسین سال حیات حمید، ۳۱۰ق، و در نینوا از او اجازه می‌گیرد.^{۷۳} همچنین او هنگامی که محمد بن علی شلمغانی منحرف می‌شود و از ترس حکومتیان مخفی می‌گردد، به مخفیگاه او در معلثا^{۷۴} می‌رود و از او اجازه دریافت می‌کند.^{۷۵} شاید همین بی‌میلاتی در نقل، باعث تضعیفش توسط بغدادیان باشد. در مجموع، باید گفت که شیبانی از دو مکتب قم و کوفه بهره‌های بسیار داشته، اما با اقبال بغدادیان روبه‌رو نمی‌شود.

۶۶ ش ۴۷۱؛ ۱۹۶، ش ۵۲۲؛ ۲۴۰، ش ۶۳۹؛ ۲۸۹، ش ۷۷۴؛ ۲۹۲-۲۹۳، ش ۷۸۹؛ ۲۹۳، ش ۷۹۰؛ ۳۰۱، ش ۸۱۸؛ ۳۰۲، ش ۸۲۳؛ ۳۱۵، ش ۸۶۳؛ ۳۲۷، ش ۸۸۷؛ ۳۳۳-۳۴۴، ش ۹۲۶؛ ۳۴۴، ش ۹۲۷؛ ۳۴۵، ش ۹۲۹؛ ۳۴۵، ش ۱۱۳۶؛ ۳۳۸، ش ۱۱۷۹؛ ۴۴۲، ش ۱۱۹۲؛ ۴۵۷، ش ۱۲۴۱؛ ۴۵۷، ش ۱۲۴۲؛ ۴۵۷، ش ۱۲۴۴؛ ۴۵۷، ش ۱۲۴۵؛ ۴۵۸، ش ۱۲۴۸؛ ۴۵۸، ش ۱۲۴۹؛ ۴۵۹، ش ۱۲۵۵؛ ۴۶۱، ش ۱۲۶۳. علاوه بر این او کتب کلامی متکلم بزرگ شیعه، محمد بن عبدالرحمن بن قبه رازی را نیز از او اخذ کرده است. (همان، ص ۳۷۵، ش ۱۰۲۳)

۶۶. همان، ص ۳۷۳، ش ۱۰۱۹.

۶۷. همان، ص ۳۹۶، ش ۱۰۵۹.

۶۸. همان.

۶۹. همان؛ الفهرست، ص ۴۰۱، ش ۶۱۱.

۷۰. همان.

۷۱. الفهرست، ص ۱۵۵، ش ۲۳۸.

۷۲. به عنوان نمونه، ر. ک: رجال النجاشی، ص ۲۳۲، ش ۶۱۵؛ ص ۲۵۷، ش ۶۷۵؛ الفهرست، ص ۲۰۶، ش ۳۰۷؛ ص ۲۷۷، ش ۴۰۲؛ ص ۲۷۹، ش ۴۰۷ و ...

۷۳. رجال النجاشی، ص ۱۳۲، ش ۳۳۹.

۷۴. منطقه‌ای است کوچک نزدیک جزیره ابن عمر در موصل، (معجم البلدان، ج ۵، ص ۱۵۸).

۷۵. رجال النجاشی، ص ۳۷۹، ش ۱۰۲۹.

علی بن حسین بن بابویه قمی، پدر شیخ صدوق، نیز به بغداد آمده است. بار اول، در دوران نیابت حسین بن روح به بغداد می‌آید و مسائلی از او می‌پرسد.^{۷۶} به نظر می‌رسد در همین دوران هم کتاب التکلیف را از شلمغانی، قبل از انحراف وی، دریافت می‌کند.^{۷۷} بار دیگر در سال ۳۲۸ ق، پا به بغداد می‌گذارد و کتب خود را به بغدادیان اجازه می‌دهد.^{۷۸} کتاب‌های روح بن عبدالرحیم^{۷۹}، ابوالبختری وهب بن وهب،^{۸۰} عبدالله بن محمد اسدی کوفی^{۸۱} و احتمالاً کتاب الفضائل زکّار بن حسن دینوری^{۸۲} از دیگر تألیفاتی است که او در بغداد اجازه نقلشان را صادر کرده است.

جعفر بن محمد بن قولویه قمی از بزرگ مشایخ قمی است که به بغداد گذر می‌کند. به این سفر تصریحی نشده است، اما با توجه به کثرت شاگردان بغدادیش - که گزارشی از سفر اکثر آنها به ایران و قم وجود ندارد - می‌توان به این نتیجه رسید که ابن قولویه به بغداد وارد شده است و اینان از او بهره گرفته‌اند. ابن قولویه به دلیل اصالت قمی‌اش، بخشی از کتب قمیان چون کتب سعد بن عبدالله اشعری^{۸۳}، نوادر الحکمة محمد بن احمد بن یحیی اشعری^{۸۴} و غیره^{۸۵} را به بغداد می‌آورد. افزون بر این، بخشی از میراث مدرسه کوفه و عراق را - که پیش از این با تلاش بزرگان قم به آن دیار آورده شده - به بغداد باز می‌گرداند.^{۸۶} جایگاه او در جامعه علمی آن روز به قدری بالاست که فقیهی ارجمند چون ابن عقیل عمانی در مکتوبه‌ای کتب خویش را به او اجازه می‌دهد.^{۸۷} او به این اکتفا نمی‌کند و کتاب‌های اخبار القائم علی بن محمد بن ابراهیم کلینی (اعلان)^{۸۸}، النوادر سهل بن زیاد آدمی رازی^{۸۹} و کتب محمد بن یعقوب کلینی^{۹۰} - که در ری اجازه نقل آنها را گرفته - به بغداد منتقل می‌کند.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۷۶. رجال النجاشی، ص ۲۶۱، ش ۶۸۴.
 ۷۷. الفهرست، ص ۴۱۴، ش ۶۲۸.
 ۷۸. رجال النجاشی، ص ۲۶۱-۲۶۲، ش ۶۸۴.
 ۷۹. همان، ص ۱۶۸، ش ۴۴۴.
 ۸۰. همان، ص ۴۳۰، ش ۱۱۵۵.
 ۸۱. همان، ص ۲۲۶، ش ۵۹۵.
 ۸۲. همان، ص ۱۷۶، ش ۴۴۴؛ سه کتاب قبلی را ابن مروان کلوذانی از او نقل کرد؛ یعنی کسی که پدر صدوق کتبش را به او اجازه داده است، اما رجال النجاشی در سند این کتاب می‌نویسد: قال علی بن حسین بن بابویه.
 ۸۳. همان، ص ۱۷۸، ش ۴۶۷.
 ۸۴. همان، ص ۳۴۹، ش ۹۳۹.
 ۸۵. همان، ص ۴۴، ش ۸۷؛ ص ۹۷، ش ۲۴۲؛ ص ۹۷، ش ۲۴۱؛ ص ۴۹، ش ۱۰۴؛ ص ۳۳۰، ش ۸۹۱؛ ص ۱۴۱، ش ۳۶۶؛ ص ۳۷۸، ش ۱۰۲۸؛ الفهرست، ص ۷۳، ش ۹۲.
 ۸۶. رجال النجاشی، ص ۵۵، ش ۱۲۶؛ ص ۷۵، ش ۱۸۰؛ ص ۳۳۵، ش ۹۳۱؛ ص ۳۶۵، ش ۹۸۶؛ ص ۱۷۵، ش ۴۶۱؛ الفهرست، ص ۴۰۵، ش ۶۱۸.
 ۸۷. رجال النجاشی، ص ۴۸، ش ۱۰۰.
 ۸۸. همان، ص ۲۶۱، ش ۶۸۲.
 ۸۹. همان، ص ۱۸۵، ش ۴۹۰.
 ۹۰. همان، ص ۳۷۷، ش ۱۰۲۶؛ الفهرست، ص ۳۹۴-۳۹۵، ش ۶۰۳.

علی بن ابراهیم بن هاشم قمی^{۱۰۰}: در اغلب موارد کتاب‌ها را از پدر خویش اجازه گرفته است. پیش از این نقش ابراهیم بن هاشم را در انتقال کتب از عراق و کوفه به قم برنمودیم. اکنون آن میراث کوفی به همراه مؤلفاتی قمی توسط مرعش به موطن قبلی خود بازگشته است.

محمد بن جعفر بن بطله قمی^{۱۰۱}: جایگاه او در مدرسه حدیثی قم و نقشش در انتقال میراث قم به بغداد قبلاً مورد بررسی قرار گرفت.

احمد بن محمد بن خالد برقی^{۱۰۲}: همان‌گونه که در صفحات پیشین گفته شد، او در کنار احمد بن محمد بن عیسی نقشی بسزا در پایه‌ریزی مکتب قم و آوردن آثار علمی بدان ایفا کرده است.

علی بن احمد بن محمد بن طاهر، ابن ابی جید، از مشایخ نجاشی و شیخ طوسی نیز در جرگه بزرگان پیش گفته است؛ او که اصالتاً قمی است و در بغداد سکنا گزیده، غالباً از طریق شیخ قمیان محمد بن حسن بن احمد بن ولید، کتاب‌های بسیاری را نقل می‌کند.^{۱۰۳} این‌ها کتاب‌هایی هستند که

۱۰۰. همان، ص ۱۳۵، ش ۱۹۵.
 ۱۰۱. همان، ص ۱۲، ش ۶؛ ص ۳۳، ش ۳۸؛ ص ۹۱، ش ۱۲۴؛ ص ۱۶۳، ش ۲۴۹؛ ص ۱۹۵، ش ۴۹۴؛ ص ۲۳۵، ش ۳۵۱؛ ص ۲۹۱، ش ۴۳۴؛ ص ۳۱۷، ش ۴۸۹؛ ص ۷۰۶، ش ۴۴۱؛ رجال النجاشی، ص ۱۶، ش ۱۶؛ ص ۱۶، ش ۱۸؛ ص ۲۶، ش ۴۸؛ ص ۲۱۶، ش ۵۶۲؛ ص ۲۶۰، ش ۶۸۰؛ ص ۲۷۸، ش ۷۳۱؛ ص ۳۲۷، ش ۸۸۷؛ ص ۴۴۴، ش ۱۱۹۹.
 ۱۰۲. همان، ص ۲۳، ش ۳۳؛ ص ۲۹، ش ۵۶؛ ص ۳۷، ش ۷۴؛ ص ۴۵، ش ۹۰؛ ص ۴۶، ش ۹۴؛ ص ۴۷، ش ۹۶؛ ص ۴۷، ش ۹۷؛ ص ۵۰، ش ۱۱۰؛ ص ۵۳، ش ۱۳۰؛ ص ۵۴، ش ۱۱۲؛ ص ۵۴، ش ۱۲۲؛ ص ۵۶، ش ۱۲۸؛ ص ۶۱، ش ۱۴۰؛ ص ۶۲، ش ۱۴۷؛ ص ۱۰۰، ش ۲۵۱؛ ص ۱۰۲، ش ۲۵۴؛ ص ۱۰۳، ش ۲۵۶؛ ص ۱۰۵، ش ۲۶۳؛ ص ۱۰۷، ش ۲۷۱؛ ص ۱۱۱، ش ۲۸۶؛ ص ۱۱۳، ش ۲۹۰؛ ص ۱۲۰، ش ۳۰۷؛ ص ۱۲۵، ش ۳۲۱؛ ص ۱۲۸، ش ۳۲۹؛ ص ۱۲۸، ش ۳۳۰؛ ص ۱۳۵، ش ۳۴۷؛ ص ۱۳۷، ش ۳۵۴؛ ص ۱۴۰، ش ۳۶۳؛ ص ۱۴۱، ش ۳۶۸؛ ص ۱۴۸، ش ۳۸۵؛ ص ۱۵۰، ش ۳۹۲؛ ص ۱۵۰، ش ۳۹۳؛ ص ۱۶۱، ش ۴۲۵؛ ص ۱۷۳، ش ۴۵۷؛ ص ۱۷۴، ش ۴۵۸؛ ص ۱۷۸، ش ۴۶۹؛ ص ۱۷۹، ش ۴۷۰؛ ص ۱۷۹، ش ۴۷۱؛ ص ۱۸۲، ش ۴۷۹؛ ص ۱۸۲، ش ۴۸۰؛ ص ۱۸۵، ش ۴۹۱؛ ص ۱۸۷، ش ۴۹۷؛ ص ۱۹۵، ش ۵۲۰؛ ص ۱۹۶، ش ۵۲۲؛ ص ۱۹۹، ش ۵۳۰؛ ص ۲۰۵، ش ۵۴۷؛ ص ۲۲۵، ش ۵۸۹؛ ص ۲۴۰، ش ۶۳۹؛ ص ۲۴۴، ش ۶۴۱؛ ص ۲۴۵، ش ۶۴۲؛ ص ۲۴۶، ش ۶۴۸؛ ص ۲۴۷، ش ۶۴۹؛ ص ۲۵۷، ش ۶۷۴؛ ص ۲۸۰، ش ۷۳۹؛ ص ۲۸۱، ش ۷۴۳؛ ص ۲۸۲، ش ۷۴۸؛ ص ۲۸۶، ش ۷۶۴؛ ص ۲۸۷، ش ۷۶۶؛ ص ۲۸۹، ش ۷۷۴؛ ص ۲۹۳، ش ۷۸۹؛ ص ۲۹۶، ش ۸۰۴؛ ص ۲۹۸، ش ۸۸۷؛ ص ۳۴۲، ش ۹۱۷؛ ص ۳۴۳، ش ۹۲۶؛ ص ۳۴۴، ش ۹۲۷؛ ص ۳۴۴، ش ۹۲۹؛ ص ۳۵۰، ش ۹۴۲؛ ص ۳۵۷، ش ۹۵۸؛ ص ۳۵۸، ش ۹۶۰؛ ص ۳۶۱، ش ۹۷۱؛ ص ۳۶۲، ش ۹۷۲؛ ص ۳۶۸، ش ۹۹۷؛ ص ۳۶۹، ش ۱۰۰۳؛ ص ۳۷۳، ش ۱۰۱۹؛ ص ۳۸۲، ش ۱۰۲۸؛ ص ۴۰۵، ش ۱۰۷۴؛ ص ۴۱۴، ش ۱۱۰۴؛ ص ۴۲۳، ش ۱۱۳۶؛ ص ۴۳۱، ش ۱۱۶۱؛ ص ۴۳۲، ش ۱۱۶۲؛ ص ۴۴۲، ش ۱۱۹۲؛ ص ۴۴۵، ش ۱۲۰۲؛ ص ۴۵۱، ش ۱۲۱۷؛ ص ۴۵۳، ش ۱۲۲۸؛ ص ۴۵۷، ش ۱۲۴۴؛ ص ۴۵۷، ش ۱۲۴۹؛ ص ۴۵۹، ش ۱۲۵۵؛ با وجود این‌که ابوالفضل شیبانی هم این بطله را در بغداد دیده و از او اجازه گرفته است، اما نجاشی همیشه راه حسن بن علی، مرعش، را به این بطله انتخاب می‌کند. در برابر شیخ طوسی آنچه از این بطله گرفته، از طریق ابوالفضل شیبانی است.

۱۰۳. الفهرست، ص ۸، ش ۴؛ ص ۱۸، ش ۱۳؛ ص ۱۹، ش ۱۴؛ ص ۲۲، ش ۲۱؛ ص ۲۲، ش ۲۲؛ ص ۳۳، ش ۳۸؛ ص ۳۴، ش ۳۹؛ ص ۳۴، ش ۴۰؛ ص ۳۷، ش ۴۹؛ ص ۴۹، ش ۶۲؛ ص ۵۰، ش ۶۳؛ ص ۵۴، ش ۶۵؛ ص ۵۵، ش ۶۷؛ ص ۵۸، ش ۷۲؛ ص ۶۰، ش ۷۴؛ ص ۶۱، ش ۷۵؛ ص ۶۳، ش ۷۸؛ ص ۸۲، ش ۱۰۳؛ ص ۱۰۰، ش ۱۳۴؛ ص ۱۰۶، ش ۱۴۰؛ ص ۱۱۰، ش ۱۴۲؛ ص ۱۱۴، ش ۱۵۵؛ ص ۱۱۶، ش ۱۵۸؛ ص ۱۱۷، ش ۱۶۰؛ ص ۱۲۲، ش ۱۶۲؛ ص ۱۲۳، ش ۱۶۳؛ ص ۱۲۴، ش ۱۶۴؛ ص ۱۲۷، ش ۱۷۲؛ ص ۱۲۷، ش ۱۷۳؛ ص ۱۲۸، ش ۱۷۴؛ ص ۱۲۸، ش ۱۷۵؛ ص ۱۷۶، ش ۱۸۵؛ ص ۱۳۶، ش ۱۹۷؛ ص ۱۹۸، ش ۱۳۶؛ ص ۱۳۶، ش ۱۳۶؛ ص ۲۰۰، ش ۲۰۰؛ ص ۲۰۶، ش ۲۰۶؛ ص ۲۳۰، ش ۲۳۰؛ ص ۲۳۱، ش ۲۳۱؛ ص ۲۳۲، ش ۲۳۲؛ ص ۲۳۲، ش ۲۳۲؛ ص ۲۴۰، ش ۲۴۰؛ ص ۲۴۱، ش ۲۴۱؛ ص ۲۴۸، ش ۲۴۸؛ ص ۲۵۱، ش ۲۵۱؛ ص ۲۵۱، ش ۲۵۱؛ ص ۲۶۶، ش ۲۶۶؛ ص ۲۷۶، ش ۲۷۶؛ ص ۲۸۴، ش ۲۸۴؛ ص ۲۸۵، ش ۲۸۵؛ ص ۲۸۹، ش ۲۸۹؛ ص ۲۹۳، ش ۲۹۳؛

کتب حمید بن زیاد را اجازه می‌گیرد و کتاب الرجال حمید بر او قرائت می‌کند.^{۱۱۰}

از دیگر اساتید ابن شاذان می‌توان به احمد بن محمد بن یحیی عطار قمی اشاره کرد. نام این شخص در سلسله سند بسیاری از کتب روایت می‌شود. تکرار نامش ما را به این نتیجه می‌رساند که او همچون ابن ولید میراث‌دار قمیان سلف است و به لحاظ داشتن اجازه کتب از جایگاه ویژه‌ای در جامعه علمی قم دارد. نجاشی عمدتاً با واسطه ابن شاذان از احمد بن محمد بن یحیی نقل می‌کند، اما طوسی گاه از طریق ابن ابی جید^{۱۱۱} و در اکثر موارد، توسط حسین بن عبدالله غضائری^{۱۱۲} به او متصل می‌شود. قضیه ارتباط ابن شاذان و ابن ابی جید با احمد بن محمد بن یحیی روشن است چه یکی از آنها قزوینی و دیگری قمی است و در نتیجه، دسترسی ایشان به احمد بن یحیی آسان است، لکن نحوه ارتباط غضائری بغدادی با او جای سؤال و ابهام دارد؛ یا احمد بن محمد به بغداد سفر داشته یا ابن غضائری به قم. درباره شقّ اول، قرینه‌ای در دست نیست، اما شاهی بر سفر غضائری به قم وجود دارد. ابن حجر در لسان المیزان به نقل از کتاب رجال الشیمة و مصبّیها اثر شیخ طوسی، حسین بن عبدالله را چنین توصیف می‌کند:

كان كثير الترحال....^{۱۱۳}

این وصف نشان می‌دهد مسافرت برای طلب حدیث، شیوه و سیره غضائری بوده و از همین رو، سفر او به مرکز علمی بزرگی چون قم دور از ذهن نخواهد بود.

در کنار مسافرت به بغداد، قمیان گاه به کوفه نیز می‌رفتند. عبدالله بن جعفر بن حسین بن مالک بن جامع حمیری، یکی از شیوخ و بزرگان قمی بعد از سال ۲۹۰ ق، وارد کوفه می‌شود و کوفیان احادیث بسیاری از او می‌شنوند.^{۱۱۴} جعفر بن حسین بن علی بن شهریار، از مشایخ قمی، به کوفه می‌آید و در آن سکنا می‌گزیند. در کوفه کتابی درباره زیارت، فضیلت کوفه و مساجد آن می‌نگارد. او کتاب نوادری نیز داشته است.^{۱۱۵}

انتقال از خراسان و ماوراء النهر به بغداد

در سال ۳۵۶ ق، فردی به نام ابوالحسن علی بن محمد بن عبدالله قزوینی وارد شهر می‌شود و برای

۱۱۰. همان، ص ۱۳۲، ش ۳۳۹.

۱۱۱. الفهرست، ص ۴۸، ش ۶۲؛ ص ۵۵، ش ۶۷؛ ص ۶۲، ش ۷۶؛ ص ۶۳، ش ۷۸؛ ص ۲۱۶، ش ۳۱۶؛ ص ۲۴۲، ش ۳۵۶؛ ص ۴۰۹، ش ۶۲۳؛ ص ۴۱۱، ش ۶۲۴.

۱۱۲. همان، ص ۲۹، ش ۳۳؛ ص ۵۷، ش ۷۰؛ ص ۶۲، ش ۷۶؛ ص ۶۳، ش ۷۸؛ ص ۸۴، ش ۱۰۸؛ ص ۱۱۳، ش ۱۵۳؛ ص ۱۲۹، ش ۱۷۷؛ ص ۱۳۳، ش ۱۹۲؛ ص ۱۷۷، ش ۲۷۴؛ ص ۲۱۶، ش ۳۱۶؛ ص ۲۴۲، ش ۳۵۶؛ ص ۲۸۴، ش ۴۲۲؛ ص ۳۳۰، ش ۵۱۵؛ ص ۳۶۳، ش ۵۶۶؛ ص ۴۰۸، ش ۶۲۲؛ ص ۴۰۹، ش ۶۲۳؛ ص ۴۱۱، ش ۶۲۴؛ ص ۴۲۱، ش ۶۲۹؛ ص ۴۲۲، ش ۶۵۰؛ ص ۴۲۲، ش ۶۵۰؛ ص ۴۵۴، ش ۷۲۱؛ ص ۴۸۷، ش ۷۷۸؛ ص ۵۳۶، ش ۸۷۰؛ ص ۵۴۶، ش ۹۰۲.

۱۱۳. لسان المیزان، ج ۲، ص ۳۶۳. این عبارت در الفهرستی که امروزه در دسترس ماست، وجود ندارد.

۱۱۴. رجال النجاشی، ص ۲۱۹، ش ۵۷۳.

۱۱۵. همان، ص ۱۲۳، ش ۳۱۷. محتمل است که این کتاب در قم نوشته شده باشد.

اولین بار بخشی از کتاب‌ها عیاشی را به روایت احمد بن عیسی علوی زاهد با خویش می‌آورد.^{۱۱۶} جعفر بن محمد بن قولویه حلقه ارتباط قم با مدرسه خراسان است و چنان که گذشت، به بغداد هم سفر کرده است، بنابراین او از واسطه‌های انتقال حدیث خراسانیان به بغداد است. یکی از عمده‌ترین اساتید خراسانی او، محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی است. از آنجا که کشی سفری به خارج از خراسان نداشته، می‌توان گفت که ابن قولویه به آنجا رفته است. کتاب جعفر بن احمد بن ایوب سمرقندی^{۱۱۷}، کتب نصر بن صباح بلخی،^{۱۱۸} کتاب رجال الکشی^{۱۱۹} و کتب حسین بن اشکیب خراسانی^{۱۲۰} از جمله دستاوردهای سفر او به خراسان است. همچنین ابن قولویه، نسخه‌ای از النوادر عبدالله بن محمد بن خالد بن عمر طرابلسی را - که توسط عیاشی به خراسان منتقل شده - از پسر عیاشی نقل می‌کند.^{۱۲۱} روایت حیدر بن نعیم سمرقندی، راوی تمامی کتب عیاشی، از ابن قولویه^{۱۲۲} هم می‌تواند قرینه‌ای دیگر بر حضور وی در خراسان باشد، چون حیدر ظاهراً از منطقه خود خارج نشده است.

ابوالفضل محمد بن عبدالله بن مطلب شیبانی از دیگر حلقه‌های ارتباط بغداد با مدرسه خراسان است. او در گرگان، کتب هارون بن عمر بن عبدالعزیز مجاشعی را از فضل بن محمد شعرانی نقل می‌کند.^{۱۲۳} چون او به گرگان مسافرت کرده و از سوی دیگر کتب عیاشی را هم از پسر او نقل کرده،^{۱۲۴} می‌توان گفت سفر او به سمرقند و ماوراءالنهر دور از ذهن نیست.

محمد بن علی بن شاذان قزوینی را می‌توان حلقه واسط مدرسه ماوراءالنهر و بغداد شمرد؛ زیرا کتب بنیانگذار آن مدرسه، محمد بن مسعود عیاشی، از طریق او و با واسطه حیدر بن نعیم سمرقندی نقل شده است.^{۱۲۵}

۱۱۶. همان، ص ۲۶۷، ش ۶۹۳.
 ۱۱۷. رجال النجاشی، ص ۱۲۱، ش ۳۱۰.
 ۱۱۸. همان، ص ۴۲۸، ش ۱۱۴۹.
 ۱۱۹. همان، ص ۳۷۲، ش ۱۰۱۸.
 ۱۲۰. همان، ص ۴۴، ش ۸۸.
 ۱۲۱. همان، ص ۲۱۹، ش ۵۷۲.
 ۱۲۲. الفهرست، ص ۱۶۷، ش ۲۵۹.
 ۱۲۳. همان، ص ۴۳۹، ش ۱۱۸۲.
 ۱۲۴. الفهرست، ص ۳۹۹، ش ۶۰۵.
 ۱۲۵. همان، ص ۱۳، ش ۸؛ ص ۲۰، ش ۲۵؛ ص ۲۱، ش ۲۹؛ ص ۲۱، ش ۳۰؛ ص ۲۵، ش ۴۳؛ ص ۲۵، ش ۴۵؛ ص ۲۹، ش ۵۸؛ ص ۳۰، ش ۶۲؛ ص ۳۱، ش ۶۶؛ ص ۳۶، ش ۷۲؛ ص ۳۸، ش ۷۶؛ ص ۳۸، ش ۷۷؛ ص ۴۰، ش ۸۰؛ ص ۴۲، ش ۸۵؛ ص ۴۲، ش ۸۶؛ ص ۴۹، ش ۱۰۵؛ ص ۶۰، ش ۱۳۸؛ ص ۶۲، ش ۱۴۳؛ ص ۷۱، ش ۱۶۹؛ ص ۷۲، ش ۱۷۳؛ ص ۷۳، ش ۱۷۶؛ ص ۷۴، ش ۱۷۹؛ ص ۷۸، ش ۱۸۳؛ ص ۷۹، ش ۱۸۸؛ ص ۷۹، ش ۱۹۰؛ ص ۸۰، ش ۱۹۲؛ ص ۸۲، ش ۱۹۸؛ ص ۸۳، ش ۱۹۹؛ ص ۸۸، ش ۲۱۵؛ ص ۸۹، ش ۲۱۹؛ ص ۹۱، ش ۲۲۵؛ ص ۹۸، ش ۲۲۵؛ ص ۹۹، ش ۲۴۸؛ ص ۱۰۵، ش ۲۶۲؛ ص ۱۰۷، ش ۲۷۰؛ ص ۱۰۸، ش ۲۷۳؛ ص ۱۰۹، ش ۲۷۶؛ ص ۱۱۴، ش ۲۹۳؛ ص ۱۳۳، ش ۳۴۰؛ ص ۱۳۴، ش ۳۴۴؛ ص ۱۳۸، ش ۳۵۷؛ ص ۱۴۹، ش ۳۸۷؛ ص ۱۴۹، ش ۳۸۸؛ ص ۱۵۳، ش ۴۰۱؛

علاوه بر مکاتب قم و خراسان - که مهم‌ترین مراکز حدیثی ایران و مبادی صدور میراث شیعی به بغدادند - گاه از مناطق دیگر ایران هم کتاب‌ها به این شهر منتقل می‌شوند؛ مثلاً حسن بن علی بن عبدالله طبری معروف به مرعش در سال ۳۵۶ ق، کتب محمد بن جریر بن رستم طبری املی (امامی مذهب) را از منطقه خود طبرستان به بغداد آورده است^{۱۲۶}.

ابوالفضل محمد بن عبدالله بن مطلب شیبانی هم به جنوب ایران سفر می‌کند و ظاهراً در شابرزان^{۱۲۷}، اجازه نسخه‌برداری از محمد جویمی^{۱۲۸} و در شیراز الکمال فی ابواب الشریعة موسی بن محمد اشعری قمی^{۱۲۹} را دریافت می‌کند.

محمد بن عثمان نصیبی معدل، شیخ بغدادی نجاشی است که در طلب حدیث و کتب به سرزمین‌های گوناگونی قدم می‌نهد. او به ایران آمده است. در ازجان، بین اهواز و شیراز^{۱۳۰}، کتاب‌های ابوشجاع ازجانی را بر او قرائت کرده و از وی اجازه نقل حدیث گرفته است.^{۱۳۱}

انتقال از کوفه به بغداد

با وجود این‌که قم در عالم تشیع آن روزگاران جایگاه علمی ویژه‌ای داشت، اما شعله‌های علم هنوز در موطن اصلی حدیث شیعه، کوفه، هنوز خاموش نشده بود؛ چه هنوز برخی کتاب‌ها که به قم منتقل شده بودند، میان دانشیان کوفی نیز دست به دست می‌شد. ظاهراً برخی از کتاب‌ها نیز به قم منتقل نشده بود و تنها کوفیان آن را در اختیار داشتند. شیوخ کوفی با سفر به بغداد، این موارد را به این شهر منتقل می‌کردند. همچنین مشایخ بغدادی برای به دست آوردن نسخ و طرق کوفی کتاب‌ها یا کتاب‌های در انحصار کوفیان، شهر کوفه را مرکز توجه خود قرار دادند.

حوالی سال ۳۳۰ ق، حافظ جلیل القدر احمد بن محمد بن سعید بن عقده از کوفه به بغداد

◀ ص ۱۵۸، ش ۴۱۶؛ ص ۱۶۰، ش ۴۲۲؛ ص ۱۸۴، ش ۴۸۷؛ ص ۱۸۷، ش ۴۹۸؛ ص ۱۹۱، ش ۵۱۲؛ ص ۱۹۲، ش ۵۱۳؛ ص ۲۱۴، ش ۵۵۹؛ ص ۲۲۶، ش ۵۹۳؛ ص ۲۲۷، ش ۵۹۷؛ ص ۲۲۹، ش ۶۰۴؛ ص ۲۳۸، ش ۶۳۰؛ ص ۲۳۹، ش ۶۳۳؛ ص ۲۵۲، ش ۶۶۲؛ ص ۲۵۴، ش ۶۶۴؛ ص ۲۵۴، ش ۶۶۶؛ ص ۲۵۷، ش ۶۷۳؛ ص ۲۷۳، ش ۷۱۵؛ ص ۲۷۴، ش ۷۱۸؛ ص ۲۷۸، ش ۷۳۰؛ ص ۲۷۸، ش ۷۳۱؛ ص ۲۸۳، ش ۷۵۱؛ ص ۲۹۱، ش ۷۸۴؛ ص ۲۹۳، ش ۷۹۱؛ ص ۲۹۳، ش ۷۹۲؛ ص ۳۰۰، ش ۸۱۷؛ ص ۳۰۳، ش ۸۲۸؛ ص ۳۰۵، ش ۸۳۴؛ ص ۳۱۱، ش ۸۵۰؛ ص ۳۱۴، ش ۸۶۰؛ ص ۳۱۵، ش ۸۶۲؛ ص ۳۳۲، ش ۸۹۳؛ ص ۳۳۳، ش ۸۹۴؛ ص ۳۳۴، ش ۸۹۶؛ ص ۳۳۷، ش ۹۰۱؛ ص ۳۳۸، ش ۹۰۳؛ ص ۳۳۸، ش ۹۰۴؛ ص ۳۳۹، ش ۹۰۷؛ ص ۳۴۱، ش ۹۱۴؛ ص ۳۴۵، ش ۹۳۰؛ ص ۳۴۹، ش ۹۳۹؛ ص ۳۵۶، ش ۹۵۵؛ ص ۳۵۸، ش ۹۶۱؛ ص ۳۶۸، ش ۹۹۷؛ ص ۳۷۱، ش ۱۰۱۱؛ ص ۴۰۶، ش ۱۰۷۷؛ ص ۴۰۹، ش ۱۰۸۸؛ ص ۴۱۵، ش ۱۱۰۸؛ ص ۴۱۶، ش ۱۱۱۲؛ ص ۴۳۶، ش ۱۱۷۱؛ ص ۴۳۷، ش ۱۱۷۶؛ ص ۴۳۹، ش ۱۱۸۱؛ ص ۴۴۸، ش ۱۲۰۸؛ ص ۴۵۰، ش ۱۲۱۶؛ ص ۴۵۳، ش ۱۲۲۷.

۱۲۶. همان، ص ۳۷۶، ش ۱۰۲۴.

۱۲۷. منطقه‌ای در خوزستان (معجم البلدان، ج ۳، ص ۳۰۳). در سند راوی را «نزیل شابرزان» خوانده است.

۱۲۸. رجال النجاشی، ص ۳۰۴، ش ۸۳۱.

۱۲۹. همان، ص ۴۰۷، ش ۱۰۷۹.

۱۳۰. معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۴۳، ش ۱۴۲.

۱۳۱. رجال النجاشی، ص ۳۱۰، ش ۸۴۹.

می‌آید.^{۱۳۲} وی طرق کوفی کتاب‌های منتقل شده به قم و کتاب‌هایی را که اصلاً به قم منتقل نشده‌اند، به همراه می‌آورد. احمد بن محمد بن صلت اهوازی^{۱۳۳} از او بسیاری از کتب را نقل می‌کند و چنان که گفته‌اند، وی اجازه نقل تمامی روایات و کتب ابن عقده را از او گرفته است.^{۱۳۴} هارون بن موسی تلعبیری^{۱۳۵} نیز از دیگر مشایخ بغدادی است که کتبی را از ابن عقده نقل می‌کند.

برخی از شیوخ نجاشی، چون محمد بن جعفر بن محمد بن هارون بن فروة بن ناجیة بن مالک تمیمی نحوی، معروف به ابن نجار و محمد بن عبدالله بن حسین جعفی، کوفیانی هستند که به بغداد آمده و تحدیث کرده‌اند. اینان از ابن عقده، محدث و حافظ بلند مرتبه کوفی، کتب بسیاری را اجازه گرفته^{۱۳۶} و در بغداد پراکنده‌اند. برخی دیگر از مشایخ نجاشی و شیخ طوسی - که اهل و ساکن بغدادند - ظاهراً به کوفه رفته و از محضر بزرگان کوفه بهره برده‌اند، مانند احمد بن عبدالله بن عبدون. ابن عبدون با کوفه ارتباط دارد و از طریق علی بن محمد بن عبید بن زبیر کوفی، معروف بن ابن زبیر، به نقل کتب می‌پردازد.^{۱۳۷} نجاشی به ملاقات او با ابن زبیر تصریح می‌کند.^{۱۳۸}

۱۳۲. تاریخ بغداد، ص ۲۱۸.

۱۳۳. الفهرست، ص ۹، ص ۹، ص ۱۱، ص ۴، ص ۲۶، ص ۳۰، ص ۴۵ - ۴۶، ص ۶۱، ص ۶۷، ص ۶۲، ص ۱۴۹، ص ۲۲۸، ص ۲۰۲، ص ۳۰۱، ص ۲۰۴، ص ۳۰۵، ص ۲۱۸، ص ۳۲۱، ص ۳۵۵، ص ۵۶۱، ص ۳۸۱، ص ۵۸۶، ص ۴۶۳، ص ۷۳۷، ص ۵۰۶، ص ۸۰۳، رجال النجاشی، ص ۲۲، ص ۳۱، ص ۲۸، ص ۵۴، ص ۳۷، ص ۱۷۳، ص ۴۷، ص ۹۵، ص ۵۱، ص ۱۱۴، ص ۵۵، ص ۱۲۴، ص ۱۱۱، ص ۲۸۴، ص ۱۱۴، ص ۱۱۳، ص ۲۹۲، ص ۱۱۵، ص ۲۹۵، ص ۱۱۹، ص ۳۰۴، ص ۱۲۲ - ۱۲۵، ص ۳۲۰، ص ۱۲۹، ص ۳۳۲، ص ۱۳۱، ص ۳۳۷، ص ۱۳۷، ص ۳۵۲، ص ۱۳۹، ص ۳۶۰، ص ۱۴۴، ص ۳۷۲، ص ۱۴۴، ص ۳۷۳، ص ۱۵۳، ص ۴۰۳، ص ۱۵۴، ص ۴۰۵، ص ۱۵۴، ص ۴۰۷، ص ۱۵۵، ص ۴۰۹، ص ۱۵۸، ص ۴۱۷، ص ۱۶۴، ص ۴۳۲، ص ۱۷۱، ص ۱۷۱، ص ۴۵۰، ص ۱۷۲، ص ۴۵۲، ص ۱۷۹ - ۱۸۰، ص ۴۷۲، ص ۲۰۷، ص ۵۴۹، ص ۲۳۸، ص ۶۳۲، ص ۲۵۲، ص ۶۶۳، ص ۲۵۵، ص ۶۶۷، ص ۲۸۳، ص ۱۷۵۲، ص ۲۹۵، ص ۸۰۰، ص ۳۲۷، ص ۸۸۷، ص ۳۵۶، ص ۹۵۲، ص ۳۵۹، ص ۹۶۵، ص ۳۶۰، ص ۹۶۷، ص ۳۶۱، ص ۹۶۸، ص ۳۶۷، ص ۹۹۴، ص ۴۰۹، ص ۱۰۹۰، ص ۴۱۰، ص ۱۰۹۳، ص ۴۱۷، ص ۱۱۱۳، ص ۴۱۷، ص ۱۱۱۵، ص ۴۱۸، ص ۱۱۱۸، ص ۴۲۱، ص ۱۱۲۶، ص ۴۲۲، ص ۱۱۳۱، ص ۴۲۸، ص ۱۱۴۸، ص ۴۴۳، ص ۱۱۹۷، ص ۴۴۶، ص ۱۲۰۷، ص ۴۴۸، ص ۱۲۱۱، ص ۴۴۹، ص ۱۲۱۲.

۱۳۴. الفهرست، ص ۶۹، ص ۸۶.

۱۳۵. الفهرست، ص ۱۴، ص ۷، ص ۲۳، ص ۲۴، ص ۲۸، ص ۳۲، ص ۴۸، ص ۶۲، ص ۵۸، ص ۷۱، ص ۵۹، ص ۷۲، ص ۹۶، ص ۱۲۹، ص ۱۲۳، ص ۱۲۲، ص ۱۶۲، ص ۱۳۴، ص ۱۹۴، ص ۱۴۱، ص ۲۰۵، کتاب طریق قمی هم دارد؛ ص ۱۶۹، ص ۲۶۴، ص ۱۸۶، ص ۲۸۸، ص ۲۴۲، ص ۳۵۶، کتاب طریق قمی نیز دارد؛ ص ۲۷۲، ص ۳۹۱، کتاب از طریق ابن ابی جید هم نقل شده که سلسله سند آن متشکل از قمیان است، ص ۵۳۷، ص ۸۷۵، رجال النجاشی، ص ۱۳، ص ۸، ص ۱۸، ص ۱۹، ص ۲۶، ص ۴۹، ص ۵۰، ص ۱۰۷، ص ۱۷۹، ص ۱۸۹، ص ۸۱، ص ۱۹۴، ص ۱۶۵، ص ۴۳۳، ص ۱۷۱، ص ۴۴۸، ص ۲۵۰، ص ۶۵۷، ص ۲۵۲، ص ۶۶۳، ص ۲۵۹، ص ۶۷۶، ص ۲۸۲، ص ۷۵۰.

۱۳۶. همان، ص ۳۶، ص ۴۵، ص ۸۳، ص ۱۰۶، ص ۱۴۹، ص ۲۲۹، ص ۱۶۷، ص ۲۶۱، ص ۱۷۵، ص ۲۷۱، ص ۲۳۱، ص ۳۴۹، ص ۲۸۱، ص ۴۱۴، ص ۲۹۰، ص ۴۳۴؛ این کتاب سه طریق قمی هم دارد؛ ص ۳۱۶، ص ۴۸۶، ص ۳۱۶، ص ۴۸۶، ص ۳۲۸، ص ۵۱۰، ص ۵۴۳، ص ۸۹۶. تلعبیری را می‌توان حلقه واسط مکتب بغداد و خراسان نیز انگاشت؛ زیرا کتب حیدر بن نعیم سمرقندی و کتاب رجال الکشی از طریق او به مشایخ شیخ طوسی رسیده است. همان، ص ۱۶۷، ص ۲۵۹، ص ۴۰۳، ص ۶۱۵.

۱۳۷. نقل‌های ابن نجار از ابن عقده: رجال النجاشی، ص ۶، ص ۱؛ این کتاب به تصریح نجاشی دو نسخه کوفی دارد که نسخه ابن عقده کامل تر است؛ ص ۷، ص ۲، ص ۱۳، ص ۸، کتاب دو روایت کوفی و یک روایت قمی دارد؛ ص ۱۵، ص ۱۲، ص ۲۰، ص ۲۷، ص ۲۸، ص ۵۳، ص ۱۱۷، ص ۵۳، ص ۱۱۷، ص ۵۳، ص ۱۹، ص ۹۱، ص ۲۲۷، ص ۱۱۱، ص ۲۸۱، ص ۱۲۷، ص ۳۲۸، ص ۱۴۳، ص ۱۴۲.



انتقال از بصره به بغداد

به سال ۳۵۳ ق، احمد بن محمد بن جعفر صولی از بصره وارد بغداد می‌شود و مردمان از او سماع می‌کنند. کتاب الحج منصور بن حازم از طریق وی به بغداد رسیده است. ۱۴۰

جالب این‌که جعفر بن محمد بن قولویه، در بصره تمامی کتاب‌های عبدالعزیز بن یحیی جلودی را اجازه گرفته است ۱۴۱ و از طریق اوست که کتب مهم مدرسه اخباری بصره به بغداد می‌رسد.

انتقال از شام به بغداد

ابوالفضل محمد بن عبدالله بن مطلب شیبانی در سال ۳۲۲ ق، در دیبل ۱۴۲ کتاب محمد بن اسحاق بن جعفر بن محمد را از نوه‌اش اجازه می‌گیرد. ۱۴۳

محمد بن عثمان نصیبی بغدادی هم به حلب رفته است. در حلب، کتاب‌های حسین بن خالویه نحوی را بر او قرائت کرده ۱۴۴ و کتب حسین بن محمد بن علی ازدی را از محمد بن حسین بن صالح سبیبی دریافت کرده است. ۱۴۵

انتقال از مصر به بغداد

ابن قولویه در این انتقال نیز نقشی مهم ایفا می‌کند. حضور او در مصر مسجل است؛ چه او تصریح می‌کند که کتاب جعفر بن یحیی بن علام رازی را در آن دیار از محمد بن احمد بن سلیم صابونی

﴿ ۳۷۰ ص، ۱۸۱، ۴۷۸ ص، ۱۹۱، ۵۱۱ ص، ۲۲۵، ۲۲۱ ص، ۲۲۵، ۲۴۴ ص، ۲۵۰، ۲۵۹ ص، ۶۵۶ ص، ۶۷۶ ص، ۲۷۳، ۷۱۴ ص، ۲۷۸، ۷۲۹ ص، ۲۸۰، ۷۴۱ ص، ۲۸۱، ۷۴۵ ص، ۲۸۶، ۷۶۲ ص، ۲۸۸، ۷۶۹ ص، ۳۰۳، ۸۲۶ ص، ۳۰۸، ۸۴۱ ص، ۳۰۸، ۸۴۱ ص، ۳۰۸، ۸۴۲ ص، ۳۱۷، ۸۶۹ ص، ۳۱۹، ۸۷۳ ص، ۳۲۳، ۸۸۰ ص، ۳۲۵، ۸۸۵ ص، ۳۲۹، ۸۹۰ ص، ۳۳۲، ۸۹۴ کتاب الدلائل ابرسمینه با این سند است، اما دو کتاب تفسیر عم پشاه لون و کتاب الادب اور، طریقی قمی دارند؛ ص ۳۴۰، ۹۱۱ ص، ۳۵۰، ۹۴۳ ص، ۳۶۶، ۹۹۱ ص، ۳۶۹، ۱۰۰۴ ص، ۴۱۱، ۱۰۹۶، ۴۱۲، ۱۰۹۸ ص، ۴۱۴، ۱۱۰۳ ص، ۴۱۴، ۱۱۰۶ ص، ۴۱۸، ۱۱۱۸ ص، ۴۱۹، ۱۱۲۰ ص، ۴۱۹، ۱۱۲۱ ص، ۴۱۹، ۱۱۲۲ ص، ۴۲۰، ۱۱۲۵ ص، ۴۲۷، ۱۱۴۶ ص، ۴۲۸، ۱۱۴۸، نجاشی پس از ذکر طریقی که از ابن عقده می‌گذرد، می‌گوید: فاما طریقتا الیه من جهة القمیین؛ ص ۴۲۷، ۱۱۷۴ ص، ۴۴۱، ۱۱۸۷ ص، ۴۴۲، ۱۱۹۰ ص، ۴۴۸، ۱۲۱۰ ص، ۴۵۸، ۱۲۲۷ ص، ۴۶۰، ۱۲۵۷، نقل‌های محمد بن عبدالله بن حسین جعفی از ابن عقده: ص ۱۴، ۱۱ ص، ۲۲۲، ۵۸۰ ص، ۲۲۳، ۵۸۴ ص، ۲۲۳، ۵۸۵ ص، ۲۲۴، ۵۸۸ ص، ۲۳۶، ۶۲۲ ص، ۲۳۷، ۶۲۹ ص، ۲۳۹، ۶۳۶ ص، ۲۴۶، ۶۴۶ ص، ۲۴۹، ۶۵۵ ص، ۲۵۲، ۶۶۲ ص، ۲۸۳، ۷۵۱ کتاب دارای یک طریقی قمی نیز هست.

۱۳۸. رجال النجاشی، ص ۸۷، ش ۲۱۱.

۱۳۹. رجال النجاشی، ص ۸۴، ش ۲۰۲؛ الفهرست، ص ۷۵، ش ۹۵؛ نکته مهم درباره صولی، مصاحبت طولانی‌اش با جلودی، شیخ بصریان، است که می‌توانسته زمینه‌ساز انتقال معارف بصری به بغداد باشد.

۱۴۰. رجال النجاشی، ص ۴۱۳، ش ۱۱۰۱.

۱۴۱. همان، ص ۲۴۴، ش ۶۴۰.

۱۴۲. ظاهراً دهی است نزدیک رمله در فلسطین (معجم البلدان، ج ۲، ص ۴۳۹).

۱۴۳. رجال النجاشی، ص ۲۹، ش ۶۰.

۱۴۴. همان، ص ۶۷، ش ۱۶۱.

۱۴۵. همان، ص ۶۵-۶۶، ش ۱۵۴.

شنیده است.^{۱۴۶} محمد بن احمد بن ابراهیم بن سلیمان کوفی از اساتید ابن قولویه، ساکن مصر است و کتب خود و حاتم بن اسماعیل را برای او نقل کرده است.^{۱۴۷} او در طریق کتاب عیسی بن استفاد نیز قرار دارد. نجاشی در وصف این سند چنین می‌نویسد:

هذا الطريق مصری فیہ اضطراب.^{۱۴۸}

از سوی دیگر، استاد ابن قولویه در این طریق عبیدالله بن فضل بن محمد بن هلال نیهانی است که اصالتاً کوفی است اما به مصر کوچیده و در آن سکنا گزیده است.^{۱۴۹} از این رو، این کتاب هم رهاورد سفر به مصر است.

با توجه به آنچه تا کنون درباره جعفر بن محمد بن قولویه آمد، باید گفت که او آمیزه‌ای از منقولات مکتب قم، ری، خراسان، بصره و مصر را وارد بغداد کرده است و از این حیث حلقه واسط بسیار مهمی به شمار می‌رود.

چنین می‌کند که محمد بن عثمان نصیبی معذل، شیخ بغدادی نجاشی، در مصر از جعفر بن محمد بن عبیدالله بن موسی بن جعفر نقل کرده باشد؛ زیرا در ضمن سند کتابی چنین می‌گوید:

... حدثنا جعفر بن محمد بن عبیدالله بمصر قراءةً علیه.^{۱۵۰}

با این قرینه می‌توان گفت که تمامی کتب منقول از جعفر بن محمد، در سفر نصیبی به مصر دریافت و به بغداد منتقل شده است. خود جعفر بن محمد بن عبیدالله در اغلب طرق، از عبیدالله بن احمد بن نهیک نقل می‌کند.^{۱۵۱} احتمال دارد او برای دریافت اجازه نقل برخی از کتب از عبیدالله بن احمد سفری به مکه داشته است؛ زیرا در ضمن همین اسناد به حضور عبیدالله بن احمد بن نهیک در مکه^{۱۵۲} و تحدیث جعفر از او^{۱۵۳} به صراحت اشاره شده است.

مطلب جالب دیگر، آن که ابوحاتم رازی، محدث و رجالی بزرگ اهل سنت، از مشایخ جعفر بن محمد بن عبیدالله است^{۱۵۴} و شاید بتوان گفت که او در طلب حدیث به ری هم رفته باشد. افزون بر

۱۴۶. همان، ص ۱۲۶، ش ۳۲۷.

۱۴۷. همان، ص ۱۴۷، ش ۳۸۲؛ ص ۳۷۵، ش ۱۰۲۲.

۱۴۸. همان، ص ۲۹۸، ش ۸۰۹.

۱۴۹. همان، ص ۲۳۲، ش ۶۱۵.

۱۵۰. همان، ص ۴۳۱، ش ۱۱۵۸.

۱۵۱. همان، ص ۲۰، ش ۲۶؛ ص ۴۹، ش ۱۰۶؛ ص ۵۶، ش ۱۲۷؛ ص ۷۱، ش ۱۷۰؛ ص ۷۴، ش ۱۷۹؛ ص ۹۹، ش ۲۴۹؛ ص ۱۱۳، ش ۲۹۱؛ ص ۱۲۷، ش ۳۲۹؛ ص ۱۴۵، ش ۳۷۵؛ ص ۱۴۸، ش ۳۸۳؛ ص ۱۵۹، ش ۴۲۰؛ ص ۱۶۲، ش ۴۳۰؛ ص ۱۸۰، ش ۴۷۶؛ ص ۱۹۹، ش ۵۲۹؛ ص ۲۰۵، ش ۵۴۶؛ ص ۲۳۲، ش ۶۱۵؛ ص ۲۳۶، ش ۶۲۲؛ ص ۲۵۰، ش ۶۵۶؛ ص ۲۵۶، ش ۶۷۰؛ ص ۲۸۵، ش ۷۵۸؛ ص ۲۹۰، ش ۷۷۶؛ ص ۳۲۷، ش ۸۸۷؛ ص ۳۵۷، ش ۹۵۶؛ ص ۴۳۴، ش ۱۱۶۵؛ ص ۴۳۵، ش ۱۱۶۷؛ ص ۴۴۱، ش ۱۱۸۸؛ ص ۴۴۴، ش ۱۲۰۰؛ ص ۴۵۹، ش ۱۲۵۳.

۱۵۲. همان، ص ۲۳۲، ش ۶۱۵.

۱۵۳. همان، ص ۱۵۹، ش ۴۲۰.

۱۵۴. همان، ص ۲۲۴، ش ۵۸۶؛ ص ۳۶۷، ش ۹۹۳؛ ص ۴۳۱، ش ۱۱۵۸؛ ص ۴۴۳، ش ۱۱۹۶.

این به نظر می‌رسد مؤلفانی که سند کتابشان این باشد، عامی مذهب‌اند، مگر این‌که قرینه‌ای بر خلاف آن اقامه شود.

نتیجه

صدور حدیث از کوفه به سایر مناطق شیعه آغاز شد. محدثان بزرگ قم و خراسان از کوفیان برای غنا بخشیدن به مکاتب حدیثی خود بهره‌ها بردند و در مواردی هم اهل کوفه در سایر بلاد حدیث کوفیان را پراکندند. پس از تکمیل نسبی این روند، کتاب‌های منتقل شده، در میان دانشمندان و مشایخ اجازه مناطق پیش گفته دست به دست می‌گردید و کتاب‌ها و میراث‌های جدیدی هم در گذر زمان بر آن افزوده می‌شد تا این‌که بغداد به عنوان مرکز علمی مورد توجه قرار گرفت. از این پس سفرهای زیادی، بویژه از سوی قمیان، به بغداد انجام گرفت. اینان همراه خود، میراث قم، خراسان، ری، کوفه و حتی بصره و مصر را به ارمغان آوردند. در مقابل بغدادیانی چند نیز به قم، کوفه، مصر، حلب، خراسان و... سفر کرده و بدین‌سان، محافل علمی بغداد را از میراث مکتوب آن مناطق بهره‌مند ساختند.

کتابنامه

- تاریخ بغداد، احمد بن علی خطیب بغدادی، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطاء، بیروت: دارالکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۷ق.
- رجال ابن الفضایری، احمد بن حسین غضایری، تحقیق: سید محمدرضا حسینی جلالی، قم: دارالحدیث، اول، ۱۴۲۲ق.
- رجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی، تحقیق: مؤسسه شبیری زنجانی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، هفتم، ۱۴۲۴ق.
- الفهرست، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: عبدالعزیز طباطبایی، قم: کتابخانه محقق طباطبایی، اول، ۱۴۲۰ق.
- لسان المیزان، احمد بن علی بن حجر عسقلانی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، دوم، ۱۳۹۰ق.
- معجم البلدان، یاقوت بن عبدالله حموی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۹ق.